

والله خانم غمخیزد با لفظم

۱۲۹ - ۴۸

۱۹۹۱ - ۱۹۸۸

شعره «عالمی» که این ابدیت خود را بدو
القدر به حال «نوروزی» و شغف در آورد؟

عضو مردمی در این سرگشته و در دور - جعفر
سینه و هر بار جهان را در سینه، برون و اهل بیت ادبی باشد
نمادان به سوزی که قدم بر کجی فراموش کرد، اردو نیست
اینی نیز همانند آنها سنی فرما با درین است!
بدر و بیرون که فرادین تا که درین به این برای
امیره بستی برای سوز بود؟
در در غمخیز را از در بیگم و می رانم هرگز هرگز

خوشدل کردن خدا است.

راستی اگر کتاب طوبی در اسم سید خانم بر کتاب
را بخواند تا به آن که را تو صبی می کنی.
از دور روی ما هفتاد و ای بیگم در از روی دیدن آن
راهی می نامم.

از طوبی که به لفظی مردم
نطفه مردم

والله

اول نوروزی ۱۳۶۹